

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: رام پونیانی
فرستنده: عثمان حیدری
۲۷ سپتمبر ۲۰۲۰

پی آمد جهانی اسلام هراسی و فرقه گرایی



«نزدیک به یکصد رسانه فرانسوی روز چهارشنبه با انتشار نامه‌ای سرگشاده خواستار بسیج شهروندان شدند. نشریه "شارلی ابدو" حدود سه هفته پیش در آستانه آغاز جلسات دادگاه رسیدگی به پرونده حمله مرگبار به تحریریه این نشریه در سال ۲۰۱۵ بار دیگر کاریکاتورهای پیامبر اسلام را منتشر کرد. رسانه‌های فرانسوی در این نامه تأکید کرده اند که تهدیدها علیه "شارلی ابدو" در عمل "آزادی بیان" را هدف گرفته است. مدیر «شارلی ابدو» انتشار نامه سرگشاده نزدیک به یک صد رسانه فرانسوی در دفاع از "آزادی بیان" را "تاریخی" توصیف کرده است.» (اخبار روز، ۲ مهر [میزان] ۱۳۹۹)

بتازگی انتشار مطالب توهین آمیز به پیامبر محمد یا سوزاندن قرآن به اقدامات خشونت بار بسیاری جرقه زده است. یکی از این موارد در ۱۱ اگست در بنگلور، کارناتاکا رخ داد. برادرزاده نوین کوما، عضو مجلس قانونگذاری یک مطلب توهین آمیز در فیس بوک منتشر کرد. در پی این، یک رهبر جامعه مسلمان به همراه بسیاری دیگر سعی کرد علیه این شکایت کند، اما دید که پولیس در ثبت این شکایت مردد است. بزودی جمعیت به خشونت متوسل شد، ساختمان را به آتش کشید و به آن آسیب رساند، پولیس آتش گشود و در این حادثه سه نفر کشته شدند.

در سویدن در اواخر اگست، رهبر یک گروه راست افراطی یک نسخه از قرآن، کتاب مقدس مسلمانان را در شهر مالمو سوزاند. این اقدام تحریک‌آمیز در نزدیکی محله‌ای انجام شد که سکنه آن عمدتاً از مهاجران مسلمان هستند. حزب نئونازی «دمکرات‌های سویدن» سومین حزب بزرگ در پارلمان سویدن است. این حزب هویت ملی را مقدم می‌داند و مشکلات سویدن را به مهاجران نسبت می‌دهد. حدود ۳۰۰ نفر به سوزاندن قرآن اعتراض کردند و موجب درگیری شدند.

احزاب راست‌گرا ادعا می‌کنند که کشورهای نوردیک در حال اسلامی شدن هستند و این‌که منحنی جرایم، به علت مهاجرت مسلمانان که بسیاری از آن‌ها به دلیل جنگ در سوریه به سویدن رفته اند، به سمت شمال در حرکت است. احزاب پوپولیست راست در بسیاری از کشورهای اروپایی در حال نیرومند شدن هستند. یکی از آن‌ها «آلترناتیو برای المان» (AfD) است. اکثر این احزاب بر اساس اصول ناسیونالیسم افراطی تشکیل شده اند و سیاست‌های آن‌ها شامل هدف قرار دادن مهاجران می‌شود.

طنز تلخ، یا تراژیدی این است که مهاجرانی که آن‌ها می‌خواهند هدف قرار دهند آفریده جنگ‌هایی هستند که خود آن‌ها در غرب آسیا با ظهور سیاست‌های اسلامی به راه انداخته اند. طنز تلخ بیش‌تر این است که ریشه این جنگ‌ها به تشکیل القاعده، داعش و دیگر سازمان‌های مشابه، که هستی خود را عمدتاً مدیون سیاست خارجی ایالات متحده هستند، برمی‌گردد. این فاکتی است که اقلیتی به آن اذعان می‌نمایند. سیاست‌های ایالات متحده در بسیاری از بخش‌های جهان، که در چند دهه اخیر به نقاط مشکل‌دار مبدل شدند، ایدئولوژی‌های اسلامی را ارتقاء داده است. کمی پس از مداخلات امریکا، که عمدتاً بر محور «عطش نفت» است، پی‌آمدهای سختی برای جمعیت محلی غرب آسیا و زنجیره‌ای از تأثیرات منفی در سراسر جهان به وجود آمده است.

چه کسی می‌تواند شارلی ابدو، مجله فکاهی فرانسوی را فراموش کند، که همین ماه همزمان با شروع محاکمه تروریست‌هایی که در سال ۲۰۱۵ به دفتر آن حمله کردند، کاریکاتورهای بحث‌انگیزی را از پیامبر محمد بازانتشار داد. در پی انتشار این کارتون‌ها، که بسیاری آن‌ها را توهین‌آمیز می‌دانند، به دفتر مجله حمله شد. متهمین دستگیر شدند و محاکمه آن‌ها تازه شروع شده است.

در سال ۲۰۰۷، باز هم در فرانسه، پس از این‌که دو جوان مهاجر مسلمان به وسیله پولیس که قتل یک مرد سفید را پی‌گیری می‌کردند کشته شدند، خشونت گسترده‌ای آغاز شد. این دو جوان به دلیل نداشتن مدارک مهاجرت قانونی در خفا زندگی می‌کردند. مرگ آن‌ها به یکسری درگیری‌های خشونت‌بار جرقه زد.

امروز اکثر مردمی که «مهاجر» تلقی می‌شوند به ملت‌هایی تعلق دارند که مستعمرات فرانسه بودند. به عنوان مثال، مراکش، تونس، مالی، سنگال و الجزایر. بخش بزرگی از این کشورها در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به فرانسه مهاجرت کردند. آن‌ها عمدتاً مسلمان و سیاه‌پوست هستند. آن‌ها در حومه پاریس و دیگر بخش‌های فرانسه در شرایط نابسامانی زندگی می‌کنند.

آدم‌ربائی دهشتناک بوکو حرام، کشتار کودکان در پیشاور به وسیله طالبان، همه این حوادث در حافظه ما از این دوره از تاریخ زنده هستند. همان‌طور که ما در هند می‌بینیم، جایی که مسلمانان بارها به داشتن خانواده‌های بزرگی که به عقب‌ماندگی می‌انجامد متهم می‌شوند.

در میان رهبران راست‌گرای اروپایی نیز گرایش وجود دارد که مسلمانان یا دیگران را به عدم انطباق با هنجارهای محلی متهم می‌کنند. برخی از رهبران راست افراطی به این بخش از جمعیت با احساس نفرت و تحقیر بسیار نگاه می‌کنند.

ما در زمان عجیبی زندگی می‌کنیم، زمانی که هویت‌های مذهبی در همه جا سر بلند می‌کنند. قربانیان این‌ها عمدتاً مسلمانان هستند. این در هند، بازمانده از تقسیم شبه‌قاره و بعد از آن است، زمانی که نخبگان مسلمان به پاکستان رفتند و بخش‌های بزرگی از مسلمانان که در هند ماندند فقیر و در حاشیه قرار گرفتند. شرایط اجتماعی-اقتصادی مسلمانان به علت بی‌توجهی سیاست‌ها، تعصب اجتماعی، قصور اداری و بی‌تفاوتی سیاسی نسبت به شرایط واقعی آن‌ها، و اکنون به علت اقدامات خشونت بار مکرر علیه آن‌ها، وخیم‌تر شده است. این به زاغه‌نشینی دهشتناک بزرگ‌ترین اقلیت هند انجامیده است.

در اروپا، اسلام‌هراسی به علت عوامل گوناگون رشد کرده است. جنگ‌ها در غرب آسیا، که شمار زیادی از خانواده‌ها را مهاجر کردند یک عامل بزرگ است. برخی کشورها، مانند سویدن، به مهاجران جنگ‌زده پناه داده اند، اما عمدتاً دولت‌های خارج اروپا هستند که سهم اساسی را در پذیرش مهاجران داشته اند. به دلیل سطوح پائین آموزشی، بسیاری از مهاجران در کشورهای میزبان جدید خود بیکار مانده اند. آن‌ها به یارانه تأمین اجتماعی وابسته اند، و این به بزرگ‌ترین اسلحه نیروهای نئونازی راست برای هدف قرار دادن آن‌ها میل شده است.

عاملی که در همه جا مشترک است سیاست خارجی امپریالیستی ایالات متحده است، که سیاستی را ارتقاء داد که به سرنوشت بخش‌های بزرگی از جهان شکل داده است.

آموزش به طالبان در مدارس در پاکستان یک نقطه عطف بود که بذره‌های خشونت را در مناطق نفت‌خیز جهان افشاند. امریکا نقش مهمی در حمایت از این آموزش اسلام‌گرایان تندرو و ارتقای اسلام خاص آن‌ها ایفاء کرد. پس از ۱۱ سپتمبر، رسانه‌های امریکائی اصطلاح «تروریسم اسلامی» را رایج کردند. رسانه‌های جهانی آن‌را گرفتند. در نتیجه، در کشورهایی مانند هند که فرقه‌گرایی پی‌آمد سیاست انگلیس «تفرقه بینداز و حکومت کن» بوده است، این از سیاست‌های ایالات متحده در قرن بیست‌ویکم بیش‌تر نیرو گرفت.

در حالی‌که کشورهای مسلمان بسیاری سعی کرده اند با ایده مدرن یک دولت سکولار کنار بیایند، کشورها در منطقه نفت‌خیز بیش‌تر در چنگ بنیادگرایی قرار دارند. ترکیه، گرچه بسیاری نگرانند که دوباره به چنگ بنیادگرایی می‌افتد، از جمله نخستین کشورهایی بود که از اوایل دهه ۱۹۲۰ سکولاریسم را پذیرفت. در سال ۲۰۱۹، سودان تصمیم به جدائی حکومت از دین گرفت و آزادی باور، و همچنین اشاره به شریعت، یا قوانین اسلامی را به مثابه یک منبع قانون پذیرفت. کشورهایی با جمعیت بالای مسلمان، مانند اندونزی و مالزی نیز از بنیادگرایی که شخص در کشورهای اسلامی غرب آسیا می‌بیند، بسیار دور هستند.

عقب‌ماندگی در میان بخش‌هایی از جامعه مسلمان در هند، غرب آسیا و برخی کشورهای اروپائی به هیچ‌وجه به دلیل اسلام نیست. این یک روند سیاسی پیچیده است که در آن اسلام به مثابه یک ترفند از سوی قدرت مسلط جهانی برای اهداف امپریالیستی آن که از اول تا آخر اقتصادی است، انتخاب شده است. آن بخش از جمعیت مسلمان که به هویت اسلامی خود اولویت می‌دهد نیز می‌بایست به مثابه آه و حسرت جامعه محاصره شده‌ای دیده شود، که قربانی این روندهای سیاسی است.

<https://www.newsclick.in/global-fallout-islamophobia-sectarianism>

تارنگاشت عدالت

منبع: نیوز کلیک

۱۲ سپتمبر ۲۰۲۰